

حکم روزه افراد دارای مشاغل سخت

در ترازوی نقد*

- محمد مختاری^۱
□ مهدی عبادی^۲ ✉
□ سیدابوالقاسم حسینی زیدی^۳

چکیده

گاه ممکن است گروه‌هایی از مکلفان دارای مشاغل سخت و طاقت‌فرسا بوده و توانایی روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان را به‌هیچ‌وجه یا مثلاً در تابستان نداشته باشند. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی بعد از بیان مقدماتی در مورد واژه‌شناسی «طاقة» در لغت و قرآن و نیز مصادیق «الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ»، درصدد بررسی و بیان این مطلب است که با توجه به روایات و نظرات فقها، حتی اگر صاحبان

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱.

۱. دانش‌پژوه سطح ۳ تفسیر و علوم قرآن، مدرسه تخصصی قرآن و عترت، حوزه علمیه خراسان (mohammad_6120@yahoo.com).

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران (نویسنده مسئول) (ebadi@shmu.ac.ir).

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران (abolghasem.6558@yahoo.com).

مشاغل سخت تا پایان مدت کار (مثلاً ۳۰ سال)، به جهت شرایط دشوار کاری مانند: عدم امکان رها کردن یا تغییر شغل طاقت فرسا، جابه‌جا نشدن ساعت کاری، نداشتن مرخصی در کل سال و...، قادر به گرفتن روزه و قضای آن نباشند، پس از بازنشستگی و پایان خدمت مکلف هستند تا زمانی که زنده‌اند، روزه‌های خود را قضا نمایند؛ چرا که بعد از بازنشستگی، ایشان مانند شیخ و شیخه و صاحب عطاش نیستند که روزه گرفتن برایشان حرج یا ضرر داشته باشد تا از این جهت قضای روزه از گردنشان برداشته شده و به پرداخت فدیة اکتفا نمایند. اما در دوران کار با توجه به شرایط مذکور، از مصادیق یطیقونه به شمار رفته و از ادای روزه معذور خواهند بود.

واژگان کلیدی: مشاغل سخت، روزه، طاقت فرسا، قاعده لاجرح، ماه رمضان.

مقدمه

به نظر می‌رسد یکی از مسائل مورد ابتلای همیشگی جوامع مسلمان در مباحث روزه، مسئله روزه گرفتن هنگام کار و هم‌زمان با شغل روزمره باشد. گاه تنوع و پیچیدگی انواع مشاغل در زمان‌هایی به چند بُعدی و پیچیده شدن این مسئله می‌انجامد. بر این اساس لازم است گاه مسائل قبلی را مورد واکاوی و بازبینی دوباره قرار داد.

از آنجاکه در آیات قرآن نسبت به این مسئله اشاراتی شده است، بهتر است با کمک آیات قرآن و نیز مراجعه به روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)، بازبینی جدیدی در فتاوی فقهی روزه مشاغل سخت انجام شود.

روزه گرفتن امری واجب است که از سوی خداوند متعال جهت سعادت و تعالی فرد در نظر گرفته شده و البته در مواردی که انسان نتواند به دلایلی آن را انجام دهد، تبصره‌ها و استثناهایی جهت تدارک و جبران و احياناً تسهیلاتی جهت انجام در نظر گرفته شده است؛ از جمله اینکه گاه ممکن است گروه‌هایی از مکلفان دارای مشاغل سخت و طاقت فرسا بوده و توانایی روزه گرفتن را به هیچ وجه یا مثلاً در تابستان نداشته باشند و لذا تکلیف آن‌ها از نظر شرعی چه خواهد بود؟

این نوشتار با بررسی فتاوا و ادله قرآنی و روایی، به واکاوی ابعاد مسئله خواهد پرداخت.

کلیات و مفهوم‌شناسی

یکی از مهم‌ترین ارکان در فهم صحیح عبارات، واکاوی معانی واژگان است. تا هنگامی که پژوهشگر یا محقق علمی، مفهوم واضحی را از کلمات دریافت نکند، نمی‌تواند حول آن موضوع تحقیقات گسترده‌تری انجام داده و به نتایج قابل قبولی دست یابد.

۱. واژه‌شناسی طاقه

جوهری می‌گوید:

«طوق همان طاق است. گفته می‌شود: «هو فی طوقی»؛ یعنی آن فعل در وسعش است» (جوهری، ۱۴۰۷: ۱۵۱۹/۴).

به گفته فراهیدی به هر چیز دایره‌ای شکل که شیء دیگری را احاطه کند، «طوق» گفته می‌شود؛ مانند سنگ آسیاب که محور را احاطه کرده است. «طاق» هر چیز، آن است که اطرافش را احاطه کرده است؛ از قبیل کوه یا تپه، و جمع آن «أطواق» است و «طوق» مصدر است از «طاقه» که اسم می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۲/۵).

در المحيط فی اللغة این گونه آمده است:

«طاق و طوق به یک معنا هستند. گفته می‌شود هر فردی به مقدار طاقتش مکلف شده است» (ابن عباد، ۱۴۱۴: ۴۸۱/۵).

ابن منظور ذیل کلمه «طاقه» چنین می‌نویسد:

«طاق یعنی نهایت قدرت انسان. طاقت آن است که برای انسان انجام عملی همراه با مشقت و سختی ممکن باشد» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۳۳/۱۰).

در التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ذیل ماده «طاقه» آمده است:

«طاق آن است که برای انسان عملی همراه با مشقت و سختی ممکن باشد و این شبیه طاقی اتاقی است که تمام سقف آن را احاطه می‌کند» (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۴۶/۷).

نویسنده قاموس القرآن نیز چنین می‌نویسد:

«طوق و طاقت هر دو به معنای قدرت است. «طاق، طوقاً وطاقه: قدر». ﴿قَالُوا لَا طَاقَةَ

لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ» (بقره / ۲۴۹): گفتند ما را امروز قدرت مقابله با جالوت و لشکریانش نیست. «رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ» (بقره / ۲۸۶): خدایا تکلیف شاقّ بر ما نفرما، چنان‌که بر گذشتگان فرموده‌ای و نیز عقوباتی را که قدرت آن‌ها را نداریم، بر ما تحمیل نکن. مراد از اِصر و طاقت، بار سنگین و تکلیف شاق است» (قرشی بنابی، ۱۳۰۷: ۲۵۷/۴).

با توجه به مطالب ذکرشده به نظر می‌رسد بتوان طاقه را به معنای رنج و مشقت زیادی دانست که شخص در انجام آن کار به عجز نزدیک گردد. بنابراین طاقه به معنای قدرت نبوده، بلکه تکلیفی است که انجام آن بسیار دشوار است و قید مشقت را باید در همه مشتقات طاقه در نظر گرفت.

۲. ماده طاقه در قرآن

واژه «طاقه» و مشتقات آن در چهار آیه از قرآن کریم به کار رفته است:

- «به زودی آنچه که به آن بخل ورزیده‌اند، روز قیامت طوق گردنشان می‌شود» (آل عمران / ۱۸۰):
- «و بر آنان که روزه گرفتن طاقت فرساست، طعام دادن به یک نیازمند کفاره آن است» (بقره / ۱۸۴):
- «گفتند: امروز ما را یارای مقابله با جالوت و سپاهیانیش نیست» (بقره / ۲۴۹):
- «پروردگارا آنچه تاب آن را نداریم، بر ما تحمیل مکن» (بقره / ۲۸۶).

غیر از آیه ۱۸۴ بقره، در معانی آیات دیگر ابهامی وجود ندارد. گروهی حرف همزه در واژه «إِطَاقَة» را همزه سلب دانسته و «إِطَاقَة» را «ناتوانی» معنا کرده‌اند. بنابراین پرداخت فدیة فقط برای افرادی است که قدرت روزه گرفتن ندارند (حقّی بروسوی، بی‌تا: ۲۹۰/۱). دسته‌ای از مفسران با تبیین کلمه «طاقه» به قدرت توأم با رنج و زحمت بسیار، مصداق «يُطِيقُونَهُ» را روزه همراه با سختی دانسته‌اند (آلوسی بغدادی، ۱۴۱۵: ۴۵۶/۱). برخی دیگر مفهوم آن را توسعه داده‌اند که شامل حامل، مرضع و شاغلان کارهای سخت و سنگین نیز می‌شود (رشید رضا، بی‌تا: ۱۵۷/۲).

علامه مغنیه در توضیح عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ» می‌فرماید: این حکم درباره شخصی نازل شده است که کهن سال، پیر و ضعیف باشد و در آن، زن و

مرد با یکدیگر تفاوتی ندارند. «الطاقة» یعنی کسی که توان انجام کاری را با مشقت و تحمل سختی داشته باشد. چنین کسی مخیر است که روزه بگیرد یا افطار کند و فدیة بدهد، یعنی مسکینی را اطعام کند. در این باره روایت صحیحی از اهل بیت علیهم السلام رسیده است (مغنیة، ۱۳۷۸: ۵۰۳/۱).

جمله «يُطِيقُونَهُ» در اینجا با توجه به اینکه ضمیر آخر آن به روزه برمی گردد، مفهومش این است که برای انجام روزه نهایت توانایی خود را باید به کار برند؛ یعنی شدیداً به زحمت بیفتند و این در مورد پیران و بیماران غیر قابل علاج می باشد. بنابراین آن ها از حکم روزه معاف اند و تنها به جای آن فدیة می پردازند (ولی بیمارانی که بهبودی می یابند، موظف اند قضای روزه را بگیرند) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۸).

ابن عاشور در تفسیرش به درستی اصل معنایی «يُطِيقُونَهُ» را تبیین کرده و می گوید: در عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» طاقّت به معنای نزدیک ترین حالت به عجز بوده که قرآن آن را به جهد تفسیر می کند؛ در واقع پایین ترین مرتبه قدرت که پس از آن انسان ناتوان خواهد شد. از همین رو می گویند این تکلیف فوق طاقّت است یا در قرآن آمده است: «رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ». بنابراین مراد از «الذين يطيقونه» در آیه افرادی هستند که توانایی بر روزه گرفتن دارند، اما این توانایی در نازل ترین حدّ خودش قرار دارد. این حالت موجب تغییر حکم از وجوب روزه، به اختیار میان روزه و اطعام مسکین می شود (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۶۴/۲).

«وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ» حکم مذکور در این آیه، بیانی است برای قاعده کلی از احکام شریعت که همان تسهیل خداوند بر بندگان در عبادات است. «يطيقونه» به معنای کسانی است که توانایی کاری را همراه با مشقت و سختی دارند؛ زیرا طاقّت اسمی است برای قدرت بر شیء، همراه با تحمل رنج فراوان و کلمه وسع برای قدرت همراه با سهولت به کار می رود. عرب «أطاق» را استفاده نمی کند مگر زمانی که قدرت بر فعل به نهایت ضعف می رسد (طنطاوی، ۱۹۷۷: ۳۸۴/۱).

علامه طباطبائی در تفسیر عبارت «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ» (بقره/ ۱۸۴)

می فرماید:

«واژه "يُطِيقُونَهُ" از مصدر "إطاقة" است و این واژه در مفهوم به کار بستن تمامی

قدرت در عمل استعمال شده است. لازمه این برداشت این است که اکثر نیروی انسان در انجام فعلی مصرف شود که موجب تحمل سختی فراوان خواهد بود» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳/۲).

۳. مصادیق «الذین يُطيقونه»

در باب اینکه مراد از «الذین يُطيقونه» چه کسانی هستند، نیز اختلاف نظر است. ۱- برخی از علمای اهل سنت آن را تبیینی برای مسافر و مریض می‌دانند (صابونی، ۱۴۲۱: ۱۰۸/۱).

۲- در ابتدا نزول حکم جواز روزه و فدیة مختص زن حامله و شیرده بوده؛ سپس این حکم با آیه «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ...» نسخ شد که این گروه هم باید روزه بگیرند (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۰۸-۳۰۷/۱؛ سیوری حلی، ۱۳۷۳: ۲۰۳/۱).

۳- افرادی که از ابتدا توانایی داشتند و سپس عاجز شدند (طوسی، بی‌تا: ۱۱۸-۱۱۹).

۴- حکم سالخوردگان را بیان می‌کند که اگر روزه گرفتن برایشان مشقت‌بار بود، فدیة دهند و اگر خواستند یکی را برگزینند، روزه گرفتن اولی است (مبیدی، ۱۳۷۱: ۴۸۵/۱؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۲۱۵/۱).

۵- «یُطيقونه» کسی است که ضمن توانایی، میان روزه و اطعام مسکین مختار است؛ یعنی «الَّذِينَ يُطِيقُونَ الصَّوْمَ فَلَهُمُ الْجَوَازُ بَيْنَ الصَّوْمِ وَالْإِطْعَامِ» (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۱۲۱/۱).

۶- دختران ضعیف که تازه بالغ شده‌اند (قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۳۳۵/۱).

۷- «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ» مربوط به بیمارانی است که امیدی به بهبودی ندارند. همچنین صاحبان مشاغل سخت مانند کارگران معادن و... و مجرمانی که محکوم به مشاغل طاقت‌فرسا شده‌اند نیز مشمول این حکم شده و می‌توانند عوض از روزه فدیة بپردازند (مراغی، بی‌تا: ۷۲/۲).

۸- عده‌ای که با رنج و زحمت می‌توانند روزه بگیرند، مانند پیران و یا نوجوانان که خوف ضرر هم ندارند، اما روزه گرفتن برایشان بسیار دشوار بوده و با مشقت همراه است. این گروه اگر روزه نگرفتند، باید جایگزین و بدل از روزه، یک مد طعام به مسکین بدهند. به عقیده ما کسی که قدرت دارد، باید برای هر روز دو «مد» بدهد و چنانچه قدرت ندارد، یک «مد» کافی است (طبرسی، بی‌تا: ۲۰۳-۲۰۵؛ بنت الشاطی، ۱۳۷۶: ۲۰۷).

با توجه به اقوال مطرح شده در زمینه مصادیق «الذین يُطيقونه»، و بیان مصادیق «یُطيقونه» در روایات، آنچه صحیح به نظر می‌رسد آن است که در این زمینه، حکم متوجه افرادی است که با زحمت و مشقت زیاد می‌توانند روزه بگیرند. طبق این بیان، سالخوردگان، زنان باردار یا شیرده که با مشقت فراوان توان روزه دارند، دختران یا پسرانی که تازه به سن بلوغ رسیده‌اند یا کارگران مشاغل سخت که نمی‌توانند شغل خود را عوض کنند، با قید مشقت و سختی شدید، مصادیق «الذین يُطيقونه» خواهند بود.

دلیل قائلان به وجوب روزه گرفتن

مهم‌ترین دلیل طرفداران این نظریه، سنت است که به برخی از مهم‌ترین روایاتی که در این باب رسیده است، اشاره خواهد شد. در برخی روایات صریحاً بیان شده است که اهل بیت علیهم‌السلام فرمودند: اگر در حال حاضر توان روزه گرفتن نداشته یا اینکه با سختی توانایی دارد، بعداً در وقت توانایی قضای روزه را به جا آورد.

ادله قائلان به عدم وجوب روزه گرفتن و بررسی آن

با توجه به اقوال مطرح شده در زمینه مصادیق «الذین يُطيقونه»، آنچه صحیح به نظر می‌رسد آن است که در این زمینه، حکم متوجه افرادی است که با زحمت و مشقت زیاد می‌توانند روزه بگیرند. طبق این بیان، سالخوردگان، زنان باردار یا شیرده که با مشقت فراوان توان روزه دارند، دختران یا پسرانی که تازه به سن بلوغ رسیده‌اند یا کارگران مشاغل سخت که نمی‌توانند شغل خود را عوض کنند، با قید مشقت و سختی شدید، مصادیق «الذین يُطيقونه» خواهند بود.

کتاب

قید «مشقت زیاد» در کنار معنای توانایی در واژه «یُطيقونه» از دو راه اثبات می‌شود:
 ۱- از سیاق آیه ۱۸۴: در همین آیه آمده کسانی که در سفرند یا مریض می‌باشند، در روزهای دیگر (ایام سلامتی) روزه بگیرند، یعنی تکلیف بر روزه گرفتن همچنان استمرار دارد. پس چطور دیگرانی که هیچ‌گونه مریضی ندارند و توانایی مطلق دارند، مخیر

میان روزه گرفتن و اطعام باشند؟ در واقع «عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» به معنای افرادی که عاجز از روزه گرفتن باشند، نیست؛ بلکه افراد ناتوان تکلیفشان روشن بوده و مکلف نیستند. در مقابل، گروهی که به سختی توانایی انجام حکم را دارند، باید عوض تکلیف را که اطعام است، انجام دهند. در روایات که ذیل آیه ۱۸۴ سوره بقره نقل شده است، اهل بیت علیهم السلام مصادیق این افراد کم طاق را بیان کرده اند (عیاشی، ۱۳۸۰: ۷۸/۱؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۱۱۶/۴؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۱۳۳/۲).

۲- آیه ۲۸۶ بقره: در این آیه از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان دعا‌هایی نقل می‌شود که در دومین دعا این‌طور بیان شده است: «... رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ...»؛ یعنی خدایا! آنچه بر ما دشوار است، بر ما تحمیل نکن. روشن است که «ما لا طاقة لنا» به معنای آنچه قدرت بر آن نداریم، نمی‌باشد؛ زیرا در این صورت چنین دعایی لغو و مخالف حکمت خداوند است؛ چرا که خداوند هیچ‌گاه بندگان را بر آنچه قدرت ندارند، تکلیف نمی‌کند، اما گاهی ممکن است مکلف به اموری که با مشقت همراه است، بشوند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴).

برخی می‌گویند اگر قید مشقت را در معنای «یُطِيقُونَهُ» در نظر بگیریم، این عبارت شامل مریض و مسافر هم خواهد شد؛ چرا که مریض و مسافر نیز با تحمل مشقت، توانایی روزه گرفتن را دارند. در پاسخ می‌گوییم: شخص بیمار به‌خاطر مسئله ضرری بودن روزه برای جانش، از این تکلیف در ایام مریضی معاف شده و ارتباطی با مشقت ندارد و اما مسافر نیز به‌خاطر لطف و تسهیلی بر وی، در ایام سفر نباید روزه بگیرد و قضای آن را بعداً به جا می‌آورد (عیسی، ۱۳۷۷: ۸۰۳).

به‌طور کلی آیات پیرامون روزه (بقره/ ۱۸۳-۱۸۵)، حکم ۳ دسته را تبیین می‌کنند:

- ۱- افراد قادری که توانایی روزه گرفتن دارند، که باید روزه بگیرند.
- ۲- گروهی که دچار بیماری بوده یا در مسافرت هستند، باید قضای هر روز را در ایام غیربیماری و غیرسفر به جا آورند.
- ۳- عده‌ای که با رنج و زحمت می‌توانند روزه بگیرند، مانند پیران یا نوجوانان که خوف ضرر هم ندارند، اما روزه گرفتن برایشان بسیار دشوار بوده و با مشقت همراه است؛ این گروه اگر روزه نگرفتند، باید جایگزین و بدل از روزه، یک مدّ طعام به

مسکین بدهند. در این دسته، صاحبان مشاغل سختی که به خاطر حرجی بودن روزه در تمام سال و مشقت پیوسته، توان ادا و قضای روزه را نداشته باشند، همانند شیخ و شیخه و صاحب عطاش هستند که در روایات از مصادیق «یُطیقونه» به شمار رفته و می توانند روزه خود را افطار و در عوض آن به پرداخت فدیة اکثفا نمایند.

دسته چهارمی نیز وجود دارند که شامل افراد عاجزی هستند که اصلاً توان روزه را ندارند، اما در آیه نیز مطرح نشده اند، که ظاهراً نه مکلف به روزه هستند و نه مکلف به غذا دادن به نیازمند.

سنت

امام کاظم علیه السلام فرمود:

«الشَّيْخُ الْفَانِي وَالْمَعْطُوشُ وَالصَّبِيُّ الَّذِي لَا يَقْوَى عَلَى السَّحُورِ وَيُطْعَمُ مِسْكِينًا مَكَانَ كُلِّ يَوْمٍ» (نوری طبرسی، ۱۴۲۹: ۳۸۶/۷)؛ پیرمرد سالخورده، شخص مبتلا به عطش و کودکی که با خوردن سحری توان پیدا نمی کند، به جای هر روز، مسکینی را طعام دهند.

همچنین طبق بیان رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام در حدیث رفع، آنچه توانایی بر آن نیست، از امت رفع نشده است؛ زیرا رفع تکلیفی که توانایی بر انجام آن نیست، جنبه امتنانی نداشته و لطفی محسوب نمی شود؛ چرا که خداوند هیچ گاه کسی را به آنچه توانایی ندارد، مکلف نمی کند و نیازی به ذکر نبود. ضمن اینکه اگر مراد، مطلق قدرت بود، می توانست از ماده «قدر» و عبارت «ما لا یقدرون» استفاده شود. بنابراین چنانچه نیاز باشد مؤمنان برای انجام تکلیفی، مشقت فراوانی را نیز تحمل کنند، آن تکلیف از آنان رفع می شود. بنابراین مقصود از «ما لا یطیقون» که تکلیف از آن رفع شده، فعلی است که همراه با تحمل سختی فراوان انجام شود. با توجه به اینکه در همه زمانها افرادی هستند که دارای مشاغل سخت بوده و امکان رها کردن آن شغل، جابه جایی زمان کار و مرخصی در ماه رمضان و طول سال را ندارند، بنابراین به نحو ادا و قضا قادر به گرفتن روزه نمی باشند، چنین افرادی نیز به خاطر حرجی بودن روزه در تمام سال و سختی و مشقت پیوسته، همانند شیخ و شیخه و صاحب عطاش هستند که در روایات از مصادیق «یُطیقونه» به شمار رفته اند.

بنابراین مقصود از عبارت «الذین يُطيقونه» در آیه ۱۸۴ سوره بقره نیز همان کسانی هستند که توانایی بر روزه گرفتن دارند، اما این توانایی به صورت مطلق نیست؛ بلکه توانایی همراه با مشقت و سختی فراوان مراد است که شامل افرادی که دارای مشاغل سخت بوده و نمی‌توانند کار خود را رها نمایند، نیز می‌شود.

بررسی شمول قاعده «لا حرج» بر مشاغل سخت

مفاد قاعده لاحرج عبارت است از نفی آن بخش از احکام تکلیفی و وضعی که موجب حرج و مشقت می‌شود و رفع آن‌ها موجب لطف امتنانی در حق مکلفان محسوب نمی‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ۳۱۴/۱). بنا بر این نظریه، ادله قاعده نفی حرج حاکم بر ادله احکام اولیه بوده و مفاد حکم ثانوی، جایگزین احکام اولیه حرجیه خواهد بود و در هر حکم الزامی اعم از واجبات و محرمات که انجام آن حکم، موجب مشقت و حرج مکلفان بشود، مطابق حکم قاعده چنین دستور الزامی منتفی خواهد شد.

با توجه به اینکه مقتضای لطف و امتنان خداوند سبب نفی احکام حرجی خواهد شد، هر زمان که فردی سختی و مشقت انجام چنین افعالی را متحمل گردد، عملش صحیح بوده و از نظر آثار با همان حکمی که فاقد حرج است، برابر خواهد بود. این مطلب در مورد عبادات نیز صدق می‌کند؛ برای مثال، هرگاه شخصی جهت تأمین معاش خود و خانواده‌اش که بر او واجب است، کار دشوار و سختی را بر مبنای تعهد اجاره بپذیرد، اگرچه با این کار چنانچه منحصر به فرد باشد، وظیفه تأمین معاش ضروری از راه کار کردن از عهده او ساقط می‌گردد، ولی وقتی شخص متحمل این مشقت شده، قرارداد اجاره‌اش صحیح بوده و دستمزدی که دریافت می‌کند، مشروع خواهد بود. همچنین هرگاه عبادتی را انجام دهد که بر او مشقت‌بار و حرجی است، این عبادت مشروع خواهد بود (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۶۶۱/۷).

سید خویی می‌فرماید: آیه ۱۸۴ سوره بقره اشخاص را سه طایفه کرده است: طایفه اول صحیح و توانا هستند، که این‌ها وظیفه دارند روزه بگیرند. طایفه دوم مریض و مسافر هستند که نمی‌توانند ماه مبارک رمضان را روزه بگیرند، اما وقت دیگر می‌توانند روزه بگیرند؛ آیه شریفه فرموده که این‌ها لازم نیست در ماه مبارک رمضان روزه بگیرند

و در روزهای دیگر روزه بگیرند. طایفه سوم کسانی هستند که در مورد آنها فرقی بین ادا و قضا نیست و در هر دو مشکل دارند؛ در مورد این‌ها ﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ﴾ تعبیر شده است. ایشان می‌فرماید: بین «طاق» (ثلاثی مجرد) با «أطاق» (باب افعال) فرق وجود دارد؛ «طاق» یعنی کسی که قدرت دارد و مراد از «أطاق» منتهی الطاقه است. لذا «یطيقونه» به معنای این است که باید آخرین نیروی خود را مصرف کنند تا بتوانند روزه بگیرند، و این عبارة اخرای حرجی بودن است. برای کسی که به‌نحو ادا و قضا روزه برایش حرجی است، فدیة تعیین شده، و برای کسی که فقط به‌نحو ادا مشکل دارد، قضا تعیین شده است، و کسی که در هیچ کدام مشکل ندارد، لازم است به‌نحو ادا روزه بگیرد (شیری زنجانی، ۱۳۸۹). با توجه به این بیان آیه‌الله خویی می‌توان گفت افرادی که در تمام سال دارای مشاغل سخت بوده و امکان تغییر شغل یا روزه گرفتن در سایر روزهای سال را ندارند (به جهت نداشتن مرخصی یا...)، مشمول حکم افرادی هستند که روزه گرفتن برایشان حرجی بوده و به‌نحو ادا و قضا امکان گرفتن روزه ندارند. آیه، ابتدا حکم کسانی را بیان کرد که روزه بر آنها به‌نحو ادا یا قضا واجب است و بعد مقابل این‌ها معذورین را ذکر فرمود. یکی از نظر ادا معذور است، آن را ذکر کرده و می‌گوید: ﴿فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾. در سیاق معذورین ﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ﴾ ذکر شده است. در این سیاق، قسم ثالث را ذکر کرده (که نه مانند شخص سالم است که ادای روزه برای او مشکلی ندارد و نه مانند مریض و مسافر است که از ادا معذور است، ولی در قضا مشکلی ندارد)، از سیاق قید معذوریت استفاده می‌شود. لذا قسم سوم معذوریتی است که بر انجام عمل قدرت دارند، در آیه کلمه «لا» یا «کان» حذف نشده است، بلکه معذور بودن قسم سوم و حرجی بودن روزه برای آن‌ها از سیاق آیه استفاده می‌شود و لازم نیست کلمه‌ای در تقدیر گرفته شود.

آیه‌الله مکارم با اینکه در پایان تفسیرش ذیل آیات روزه، بحث قاعده لاجرح را مطرح می‌کند، اما در عمل، ﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ﴾ را محصور در پیران و بیماران مزمن کرده، می‌فرماید: کسانی که با نهایت زحمت باید روزه بگیرند (مانند پیرمردان، پیرزنان و بیماران مزمن که بهبودی برای آن‌ها نیست)، لازم نیست مطلقاً روزه بگیرند، بلکه باید به‌جای آن کفاره بدهند، مسکینی را اطعام کنند. در آیات فوق اشاره‌ای به این نکته

شده بود که خداوند بر شما آسان می‌گیرد و نمی‌خواهد به زحمت بیفتید. مسلماً این اشاره ناظر به مسئله روزه و فواید آن و حکم مسافر و بیمار است، ولی با توجه به کلی بودن، از آن یک قاعده عمومی نسبت به تمام احکام اسلامی استفاده می‌شود و از مدارک قاعده معروف «لا حرج» است. این قاعده می‌گوید: اساس قوانین اسلام بر سخت‌گیری نیست و اگر در جایی حکمی مشقت شدید ایجاد کند، موقتاً برداشته می‌شود؛ چنان‌که فقها فرموده‌اند: «هرگاه وضو گرفتن یا ایستادن به هنگام نماز و مانند این‌ها انسان را شدیداً به زحمت بیندازد، مبدل به تیمم و نماز نشسته می‌شود». در آیه ۷۸ سوره حج نیز می‌خوانیم: ﴿هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾؛ او شما را برگزید و در دین تکلیف مشقت‌باری برای شما قرار نداد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۶۲۴/۱ و ۶۳۶).
 حدیث معروف پیامبر ﷺ: «بعثت علی الشریعة السهلة السمحة»^۱ (کلینی، بی‌تا: ۴۹۴/۵) و نیز: «بعثت علی الحنیفیة السهلة» (همان) اشاره به همین مطلب است.

خلاصه فتاوی فقها

کار بعضی از افراد جزو مشاغل سخت بوده و در ماه مبارک رمضان روزه‌داری برای آنان مشکل است؛ مشاغلی همچون کار در معدن، کشاورزی، شاطر نانوايي، چوپانی، کارگری و.... یکی از عذرهای روزه خوردن، شغل سخت نیست؛ یعنی هیچ فقیه و مجتهدی فتوا نداده است که اگر کسی شغل سخت دارد، می‌تواند روزه را بخورد. در مجموع نمی‌توان به دلیل داشتن کار سخت به طور کلی از روزه گرفتن صرف نظر نمود؛ بلکه در مرحله اول برای کنار آمدن با سختی شغل در صورت امکان باید یکی از راه‌های زیر را برگزید:

۱- اگر می‌تواند کار را ترک کند، باید روزه بگیرد و اگر نمی‌تواند، هر وقت به حرج و سختی زیاد که قابل تحمل نیست، افتاد، می‌تواند افطار نماید. چنین کسانی در صورتی که بتوانند، باید کار کردن را رها کنند و از فعالیت روزانه صرف نظر نموده و روزه بگیرند (موسوی خمینی، بی‌تا: ۳۱۹/۱).

۱. من مبعوث به آیین سهل و آسانی شده‌ام.

۲- سختی کار مجوز افطار روزه نمی‌گردد و چنانچه بتواند، باید ساعت کاری خود را تغییر دهد، مرخصی بگیرد یا در ماه رمضان کارهای سبک‌تری انجام دهد. در غیر این صورت، تنها مجوز افطار این است که در برخی روزها (مثلاً هفته‌ای ۳-۴ روز) قبل از ظهر به مقدار مسافت شرعی از شهر خارج شده، افطار کند و برگردد و تا ماه رمضان سال آینده قضای آن را به جا آورد. اگر می‌تواند شیفت کاری خود را تغییر دهد، باید این کار را انجام دهند؛ مثل نانوايي‌ها که نیازی نیست شیفت کاری خود را در صبح قرار دهند و می‌توانند شیفت کاری خود را به عصر تغییر دهند و روزه خود را بگیرند (مکارم شیرازی، بی‌تا: ۲۳۱).

۳- اگر شرایط به گونه‌ای است که حتماً باید کار کرد و صرف‌نظر کردن از آن ممکن نیست یا اینکه بدون کار کردن نیز در مرحله‌ای از روزه‌داری مشقت زیاد پیش می‌آید، چنین کسانی باید روزه بگیرند و اگر روزه در بین روز برای آنان حرجی شد، افطار کنند؛ اما به هیچ وجه نمی‌توانند صرفاً به این احتمال و دلیل که بعداً روزه حرجی می‌شود، روزه را از ابتدای روز افطار کنند. این کار روزه‌خواری عمدی نیست و کفاره نخواهد داشت؛ فقط باید بعد از ماه رمضان آن را قضا نمایند (وجید خراسانی، ۱۴۲۸: ۳۲۴).

۴- اگر روزه مانع کاری باشد که امرار معاش متوقف بر آن است، مثلاً موجب ضعف شود، به گونه‌ای که امکان ادامه کار نباشد یا به حدی موجب تشنگی شود که قابل تحمل نباشد، پس اگر تغییر کار یا ترک آن در ماه مبارک رمضان ممکن باشد و بتواند زندگی را با مالی دیگر هرچند با قرض ادامه دهد، روزه بر او واجب است؛ ولی اگر این امر میسر نباشد، باید روزه بگیرد، ولی هنگام ضعف شدید می‌تواند با نوشیدن آب یا خوردن غذا بنابر احتیاط واجب (فقط) به مقدار ضرورت ضعف خود را برطرف کند و خوردن بیش از آن مقدار اشکال دارد و به احتیاط واجب باید بقیه روز را امساک کند و باید بعد از ماه مبارک رمضان آن را قضا نماید و کفاره بر او واجب نیست (حسینی سیستانی، بی‌تا: ۸۴/۲).

۵- در صورتی که با ترک کار به حرج می‌افتد، اگر نتواند به گونه‌ای (مثلاً کار در شب یا خنک کردن فضای کار) روزه را بدون مشقت شدید بگیرد، گرفتن روزه واجب نیست و قضای آن را بعد از ماه رمضان به جا می‌آورد (شیرازی زنجانی، بی‌تا: ۱۸۶). در هر حال روزه‌خواری علنی و بی‌احترامی به ماه رمضان گناهی بزرگ است.

نتیجه‌گیری و نظریه مختار

با توجه به اینکه در همه زمان‌ها، افرادی هستند که دارای مشاغل سخت بوده و امکان رها کردن آن شغل، جابه‌جایی زمان کار و مرخصی در ماه رمضان و طول سال را ندارند، بنابراین به نحو ادا و قضا قادر به گرفتن روزه نمی‌باشند، همچنین با توجه به شمولیت قاعده لاجرح و لاضرر نسبت به روزه این افراد و نظر به مضارع بودن فعل «یطیقونه» که دلالت بر استمرار دارد، تنها افرادی شامل حکم جواز افطار و پرداخت فدیة هستند (بدون ادا و قضا) که دو قید توانایی و مشقت را توأمان در تمام طول عمر دارا باشند.

بنابراین در وهله اول و به قرینه روایات، این حکم تنها شامل سالخوردگان و صاحب عطاش می‌باشد. اما در مرحله دوم می‌توان صاحبان مشاغل سخت و طاقت‌فرسا را داخل در این حکم دانست. با این توضیح که این افراد اگر توانایی بر روزه گرفتنشان با قید مشقت فراوان است، می‌توانند روزه را افطار نمایند و تا ماه رمضان بعد در روزهای تعطیل که در خانه هستند، چون قید «یطیقونه» شامل حال ایشان نمی‌شود، قضای روزه‌های خود را به جا آورند، مگر اینکه شغلشان به گونه‌ای باشد که به هیچ وجه در طول سال مرخصی و استراحتی ندارند و پیوسته متصف به مبدأ «یطیقونه» باشند که در این صورت تنها به پرداخت فدیة اکتفا می‌نمایند و نیازی به قضای روزه نیست. همچنین اگر تا ماه رمضان بعد، به تعداد کمتر از سی روز که روزه رمضان را افطار نموده‌اند، تعطیلی داشته باشند، همان مقدار از سی روز را که می‌توانند باید قضا نمایند (زیرا شامل «یطیقونه» نمی‌باشند) و آن مقداری را که نمی‌توانند، تنها فدیة بدهند و قضا ندارد (زیرا شامل «یطیقونه» می‌باشند).

بنابراین افرادی که دارای مشاغل طاقت‌فرسایی هستند که به خاطر حرجی بودن روزه در تمام سال و مشقت پیوسته، توان ادا و قضای روزه را نداشته باشند، از این جهت همانند شیخ و شیخه و صاحب عطاش هستند که در روایات از مصادیق «یطیقونه» به شمار رفته و می‌توانند روزه خود را افطار و در عوض آن به پرداخت فدیة اکتفا نمایند.

فهرست منابع

۱. آلوسی بغدادی، ابوالفضل شهاب‌الدین سید محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد بن ادريس رازی، تفسیر القرآن العظیم مسنداً عن رسول الله ﷺ و الصحابة و التابعین، تحقیق اسعد محمد طیب، چاپ سوم، ریاض، مکتبه نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۹ق.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر، التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور التونسی، بیروت، مؤسسة التاریخ، ۱۴۲۰ق.
۴. ابن عباد، الصاحب اسماعیل، المحيط فی اللغة، تحقیق محمد حسن آل یاسین، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۴ق.
۵. ابن منظور افریقی مصری، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، تصحیح جمال‌الدین میردامادی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
۶. بغوی، ابو محمد حسین بن مسعود، تفسیر البغوی (معالم التنزیل)، ریاض، دار طیبه، ۱۴۲۳ق.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیه، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
۸. حسینی سیستانی، سیدعلی، استقنات، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۹. حقی بُروسوی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، بیروت، دار الفکر، بی‌تا.
۱۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
۱۱. سمرقندی، ابولث نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
۱۲. سیوری حلّی (فاضل مقداد)، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، تصحیح محمدباقر شریف‌زاده و محمدباقر بهبودی، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۳ش.
۱۳. شبیری زنجانی، سیدموسی، استقنات، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۱۴. همو، کتاب الصوم (درس خارج فقه)، قم، بی‌نا، ۱۳۸۹ش.
۱۵. صابونی، محمد علی، صفوة التفاسیر (تفسیر القرآن الکریم)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۱ق.
۱۶. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۳۹۰ق.
۱۷. طبرسی، امین‌الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق و تصحیح احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۹. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷ش.
۲۰. فراهیدی، ابوعبدالرحمن خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، چاپ دوم، قم، دار الهجره، ۱۴۰۹ق.
۲۱. قرشی بنابی، سیدعلی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، چاپ دوم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۵ش.
۲۲. همو، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۰۹ش.
۲۳. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، دار الفکر، بی‌تا.
۲۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز الکتب للترجمة و النشر، ۱۴۰۲ق.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۷۰ش.

۲۶. همو، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۲۷. میبدی، ابوالفضل رشیدالدین احمد بن محمد، کشف الاسرار و عدة الابرار، تحقیق علی اصغر حکمت، چاپ پنجم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
۲۸. نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسة آل البيت علیه السلام، ۱۴۲۹ ق.
۲۹. وحید خراسانی، حسین، توضیح المسائل، چاپ نهم، قم، مدرسه امام باقر علیه السلام، ۱۴۲۸ ق.

